

درس دهم: فصل شکوفایی

"فصل شکوفایی" از مجموعه «دری به روی خورشید»: سلمان هراتی / نوع ادبی: ادبیات انقلاب اسلامی. قالب: غزل گنج حکمت: تیرانا: محمدرضا رحمانی (مهرداد اوستا)

قلمرو زبانی

۱. واژه های مشخص شده را معنی کنید.

الف: نه همین مهربانی را به مهر، که پاداش هر زخمه سنگی را دست های کریم تو میوه ای چند شیرین ایثار کند.

ب: آن جا در آن برزخ سرد، در کوچه های غم و درد

پ: بی آنکه زبان به کمتر داعیه ای گشاده باشم.

ت: گشاده دستی را از بوستان و پالیز بیاموز.

۲. در میان ترکیبات زیر چه تعداد نادرستی املائی دیده می شود؟ تصحیح کنید.

« غم غربت - غرق غبار - بی تاب و بیقرار - داعیه و خاسته - سپاسگذاری و آفرین - زخمه سنگ - ایثار و بخشش - میراث گذشتگان »

دانش های زبانی و دستوری

۳. نوع «واو» را در عبارات زیر مشخص کنید.

الف) سپاس خورشید را که هر بامداد بر سر تو زرافشانی می کند و ابر، گوهر

ب) دیروز اگر سوخت ای دوست غم برگ و بار من و تو

۴. با توجه به بیت زیر به سوالات پاسخ دهید. «دیروز در غربت باغ من بودم و یک چمن داغ // امروز خورشید، در دشت آینه دار من و تو»

الف) آرایه های بیت را مشخص کنید.

ب) وابسته وابسته را بیابید.

پ) مفهوم بیت را بیان کنید.

ت) در بیت، واژه ای بیابید که هم آوای آن در زبان فارسی وجود دارد.

ث) منظور از واژگان «دیروز - امروز - خورشید» را بنویسید.

۵- با توجه به بیت: «دیروز در غربت باغ، من بودم و یک چمن داغ / امروز خورشید در دشت، آینه دار من و تو» به سوال ها پاسخ دهید.

الف) در بیت فوق واژه ای بیابید که هم آوای آن در زبان فارسی وجود دارد.

ب) در گروه اسمی «یک چمن باغ»، هسته و نوع وابسته را مشخص کنید.

پ) نوع «واو» را بیان کنید. (ربط) پیوند)

ت) نوع حذف را در جمله مشخص کنید.

با توجه متن، به سوال ها پاسخ دهید.

«تیرانا! من از طبیعت آموختم که همانند با درختان بارور - بی آنکه زبان به کمتر داعیه ای گشاده باشم - سراسر کرامت باشم و سراپا گشاده دستی.»

الف) نقش کلمات مشخص شده را به ترتیب، بنویسید. (منادا - متمم - قید - مسند)

ب) نوع حذف را بیان کنید. حذف فعل «باشم» به قرینه لفظی در عبارت: سراپا گشاده دستی (باشم)

پ) نوع «واو» را بنویسید. ربط) پیوند)

۶- با توجه به سروده زیر به پرسش ها پاسخ دهید.

الف) دیروز اگر سوخت ای دوست، غم برگ و بار من و تو / امروز می آید از باغ، بوی بهار من و تو

ب) چون رود امیدوارم بی تابم و بی قرارم / من می روم سوی دریا، جای قرار من و تو

الف) انواع «و» (ربط، عطف) را مشخص کنید.

ب) مفعول فعل «سوخت» را نشان دهید.

پ) وابسته وابسته را مشخص کنید.

ت) نقش واژه های مشخص شده را بنویسید.

۷. با توجه به بیت: «این فصل، فصل من و دوست، فصل شکوفایی ما // برخیز با گل بخوانیم اینک بهار من و تو» به سوال ها پاسخ دهید.

الف) نقش کلمات مشخص شده را به ترتیب بنویسید.

ب) نوع حذف را در بیت فوق بیابید.

پ) نوع «واو» را تعیین کنید. عطف

- ت) بیت را از نظر شیوه بلاغی و عادی بررسی کنید.
- ث) در گروه اسمی «فصل شکوفایی ما» هسته و نوع وابسته را مشخص کنید.
۸. نوع حذف (لفظی / معنوی) را در عبارات زیر مشخص کنید.
- الف) تیرانا! من از طبیعت آموختم سراسر کرامت باشم و سراپا گشاده دستی.
- ب) سپاس خورشید را که به هر بامداد بر سر تو زرافشانی می کند و ابر، گوهر.

قلمرو ادبی

۹. در بیت «آن جا در آن برزخ سرد، در کوچه های غم و درد // غیر از شب آیا چه می دید چشمان تار من و تو».

الف) «برزخ سرد» و «شب» نماد چه مفاهیمی هستند؟

ب) ترکیب های اضافی و وصفی بیت را مشخص کنید.

۱۰. با توجه به بیت زیر به سوالات پاسخ دهید.

چون رود امیدوارم، بی تابم و بی قرارم // من می روم سوی دریا، جای قرار من و تو

الف) مقصود اصلی شاعر از بیت چیست؟

ب) به ترتیب، نقش کلمات «رود»، «جای» و «بی تاب» را بنویسید.

پ) منظور از «دریا» چیست؟

۱۱) کدام گزینه با بیت زیر قرابت مفهومی کمتری دارد؟

«دیروز اگر سوخت، غم بر و بار من و تو // امروز می آید از باغ بوی بهار من و تو»

الف) امروز خنده طرح به گلزار می دهد // آن روزگار رفت که «صائب» ملال داشت

ب) آن همه ناز و تنعم که خزان می فرمود // عاقبت در قدم باد بهار آخر شد

پ) جمله صحرا و دشت پر ز شکوفه است کشت // خوف تتاران گذشت، مشک تتاران رسید

ت) از دی که گذشت هرچه گذشت خوش نیست // خوش باش و ز دی مگو که امروز خوش است

۱۲. با توجه به بیت زیر، به سوال ها پاسخ دهید.

دیروز در غربت باغ، من بودم و یک چمن داغ
امروز خورشید در دشت، آینه دار من و تو

الف) مجاز را در بیت بیابید.

ب) جناس ناهمسان را مشخص کنید.

پ) باغ و دشت چه آرایه‌ای دارند؟

ت) هسته و وابسته را در گروه اسمی «یک چمن داغ» مشخص کنید

ث) نوع حذف را در بیت مشخص کنید.

ج) آئینه دار بودن برای خورشید:

چ) خورشید استعاره از چیست؟

۱۳. آرایه‌های بیت: «دیروز اگر سوخت ای دوست، غم برگ و بار من و تو / امروز می‌آید از باغ، بوی بهار من و تو» را بررسی کنید.

قلمرو فکری

۱۴. اشعار و عبارت‌های زیر را به نثر روان معنی کنید.

۱. دیروز اگر سوخت ای دوست، غم برگ و بار من و تو / امروز می‌آید از باغ، بوی بهار من و تو.

۲. دیروز در غربت باغ، من بودم و یک چمن داغ / امروز خورشید در دشت، آئینه دار من و تو

۳. چون رود امیدوارم بی‌تابم و بی‌قرارم / من می‌روم سوی دریا، جای قرار من و تو

۴. من از طبیعت آموختم که همانند با درختان بارور-بی‌آنکه زبان به کمتر داعیه‌ای گشاده باشم-سراسر، کرامت باشم و سراپا گشاده دستی

۵. با هر تابستان با میوه‌های شیرین و سایه دل‌پذیر خستگان راه را میزبانی کریم باشی و پای فرسودگان آفتاب زده را نوازشگری، درمان بخش دردها.

۱۵. با توجه به ابیات زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید.

- دیروز اگر سوخت ای دوست، غم برگ و بار من و تو / امروز می‌آید از باغ، بوی بهار من و تو

غرق غباریم و غربت، با من بیا سمت باران / صد جویبار است اینجا، در انتظار من و تو

الف) منظور شاعر از «دیروز» و «امروز» چیست؟

ب) «غرق غباریم» چه مفهومی را می‌رساند؟

پ) «باران» اشاره به چه چیزی دارد؟

۱۶- مفهوم مشترک سروده‌های زیر چیست؟

الف: ز خورشید و از آب و از باد و خاک / نگردهد تبه نام و گفتار پاک

ب: با این نسیم سحرخیز، برخیز اگر جان سپردیم / در باغ می‌ماند ای دوست، گل یادگار من و تو

۱۷- چه مضمون مشترکی در موارد زیر دیده می‌شود؟

الف: ای منتظر، مرغ غمین در آشیانه / من گل به دست میدهم، من آب و دانه / می کارمت در چشمها گل نقش امید / می بارمت بر دیده ها باران خورشید.

ب: دیروز در غربت باغ، من بودم و یک چمن داغ امروز خورشید در دشت، آینه دار من و تو

۱۹- هر یک از عبارت های زیر به چه چیزی توصیه می کند؟

الف) تیرانا! من از طبیعت آموختم که سراسر، کرامت باشم، بی هیچ گونه چشمداشتی به سپاسگزاری یا آفرین .

ب) نه همین مهربانی را به مهر، که پاداش هر زخمه سنگی را دستهای کریم تو، میوه ای چند شیرین ایثار کند.

پ) همینم از آفریدگار سپاسگزاری بس که بدین سعادت رهنمون بود تا هرگز فریب آزاده مردم را از خویشتن بتی نسازم.

,

,



درس دهم: فصل شکوفایی

قلمرو زبانی

۱. الف) زخمه: ضربه، ضربه زدن ب) برزخ: حدّ فاصل میان دو چیز، زمان بین مرگ تا رفتن به بهشت یا دوزخ، فاصله بین دنیا و آخرت. ت) پالیز: باغ و بوستان
۲. خواسته - سپاسگزاری .
۳. الف: ربط ب: عطف
۴. الف: دیروز: مجاز از دوره قبل انقلاب اسلامی/امروز: مجاز از دوره انقلاب اسلامی ** دیروز و امروز: تضاد/ باغ و دشت: استعاره از کشور ایران** آینه دار بودن خورشید: تشخیص / آینه دار بودن: کنایه از پیشرو و راهبر بودن** واج آرای صامت «غ» و «د» و «ر»** خورشید: استعاره از انقلاب و امید و روشنی/امام خمینی (ره) ** جناس: باغ/ داغ/ من: چمن/ تکرار: من/ در** داغ:

مجاز از غم و اندوه* مانند خوردن خورشید به آینه دار / غربت باغ: اضافه استعاری (تشخیص) / باغ و دشت: مراعات نظیر. (می توان داغ را ایهام تناسب در نظر گرفت: ۱. غم و اندوه (که معنای مدنظر در این بیت است). ۲. در معنی گرم و داغ با خورشید تناسب دارد.)

ب: یک چمن داغ: داغ: هسته / یک: صفت پیشین (شمارشی اصلی) / چمن: وابسته وابسته از نوع ممیز.

پ: حاکمیت خفقان و استبداد بر مردم جامعه در دوره قبل انقلاب اسلامی و نوید آزادی و پیروزی بعد از انقلاب.

ت (غربت: دوری. هم آوای آن قربت: نزدیکی. ث) دیروز: مجاز از دوره قبل انقلاب اسلامی / امروز: مجاز از دوره انقلاب اسلامی* * خورشید: خورشید: استعاره از انقلاب و امید و روشنی / امام خمینی (ره).

۵. الف: (غربت: دوری هم آوای قربت: نزدیکی) ب: (یک: صفت شمارشی پیشین / چمن: وابسته وابسته: از نوع ممیز / باغ: هسته)

پ: «او» در مصرع ربط است / من و تو: واو عطف ت: (حذف فعل «بود» به قرینه لفظی در عبارت یک چمن باغ (بود)

/ حذف فعل «است» به قرینه معنوی در مصرع دوم: امروز خورشید در دشت، آینه دار من و تو (است)

۶. الف: من و تو: واو عطف / او در مصرع اول بیت دوم: ربط ب: برگ و بار

پ: الف) بوی بهار من و تو: من (وابسته وابسته: مضاف الیه مضاف الیه) * جای قرار من و تو: من (وابسته وابسته: مضاف الیه مضاف الیه) * *

ت) (غم: نهاد / برگ و بار: مفعول / امروز: قید زمان / بوی: نهاد) ب) (رود: متمم / بی تاب: مسند / م: معادل فعل اسنادی: هستم / جای قرار: بدل از دریا)

۷. الف: (نهاد - مسند - فصل سوم: بدل برای فصل دوم و مسند برای فصل اول / مفعول)

ب: حذف فعل «است» به قرینه لفظی در مصرع اول: فصل شکوفایی ما (است) / حذف فعل «است» در مصرع دوم: اینک بهار من و تو (است)

پ: شیوه بلاغی در مصرع اول.

ت: (فصل: هسته / شکوفایی: وابسته: مضاف الیه / ما: وابسته وابسته از نوع: مضاف الیه مضاف الیه)

۸. الف: حذف فعل «باشم» به قرینه لفظی بعد از گشاده دستی (باشم)

ب: حذف «افشانی می کند» به قرینه لفظی بعد از گوهر: گوهرافشانی می کند.

قلمرو ادبی

۹. الف: برزخ سرد: نماد کشور خفقان زده ایران پیش از انقلاب اسلامی.

ب: ترکیب وصفی: (آن جا - آن برزخ - برزخ سرد - چشمان تار) * * * * * ترکیب اضافی: (کوچه های غم - کوچه های درد - چشمان من - چشمان تو)

۱۰. الف: امیدواری / حرکت به سوی آزادی و امید و رهایی / بازگشت به اصل (به توجه به حرکت رود به سوی دریا).

ب: متمم - بدل - مسند پ: استعاره از آزادی و رهایی / اتحاد / انقلاب

۱۱. گزینه «ت»

۱۲. الف: دیروز: مجاز از دوره پیش از انقلاب اسلامی / امروز: مجاز از دوره انقلاب اسلامی.

ب: باغ: داغ *** من: چمن پ: باغ: استعاره از ایران / دشت: استعاره از ایران ت: (قلمرو زبانی) یک: صفت پیشین (شمارشی). چمن: وابسته وابسته: ممیز // داغ: هسته ج: آینه دار بودن برای خورشید: تشخیص. آینه دار بودن: کنایه از پیشرو و رهبر بودن

چ) خورشید استعاره از امام خمینی (ره) و همچنین استعاره از امید و شکوفایی و انقلاب.

۱۳. دیروز و امروز: تضاد و مجاز/ دیروز: مجاز از ایران پیش از انقلاب اسلامی/ امروز: مجاز از دوره انقلاب اسلامی/ برگ و بار و باغ و بهار: مراعات نظیر / سوزاندن برگ و بار بوسیله غم: استعاره / برگ و بار: استعاره از امید و آرزو/ دلخوشی های زندگی *** بهار: نماد آزادی و امید و شکوفایی / انقلاب *** جناس ناهمسان: بار و بهار - بار و باغ *** واج آرای صامت «ب» / بوی بهار: اضافه استعاری/ بهار: استعاره از آزادی و امید و انقلاب/ باغ: استعاره از کشور ایران.

قلمرو فکری

۱۴. الف: ای دوست، اگر دیروز (قبل از انقلاب) غم حاصل زندگی ما را ناپود کرده بود؛ اما امروز (زمان انقلاب)، امید رشد و شکوفایی در کشور دیده میشود.

ب: دیروز (قبل از انقلاب) با حس غربتی که در کشور بود، من اندوهی بزرگ در دل داشتم؛ اما امروز روشنی و امید در برابر ماست. پ: مانند رودخانه ای که برای رسیدن به دریا امیدوار و بی قرار است، من نیز به دریای انقلاب که محل دیدارمان است، می پیوندم. ت: من از طبیعت یاد گرفتم که مثل درختان میوه دار بدون اینکه کمترین خواسته ای را به زبان بیاورم - با تمام وجود، سخاوت و بخشندگی داشته باشم.

ث: در هر تابستان با میوه های شیرین و سایه آرام بخش برای خستگان، میزبانی بخشنده باشی و بتوانی برای مسافران آفتاب خورده، نوازشگری باشی که درد آن ها را تسکین می دهد.

۱۵. الف) «دیروز»: دوران پیش از انقلاب؛ / «امروز»: دوران پس از انقلاب *** ب) پر از اندوه و تنهای هستیم. *** پ) فضای پاکی بخش انقلاب و آزادی و امید.

۱۶. جاودانگی سخن و نام و یاد و پاکی حتی با گذر زمان.

۱۷- ترک اندوه و نوید به امید و آزادی و شادی

۱۸- الف) انقلاب ب) پیوستن به جریان انقلاب

۱۹- الف) بخشندگی بدون انتظار قدردانی است

ب) نیکی کردن در برابر بدی دیگران صحیح آن «سپاسگزاری» است.

پ) سپاسگزاری از خداوند و آزاد مرد بودن و فریب ندادن دیگران.